

برنامه ماجرا

آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها

موضوع: فاطمه زهرا؛ بانویی از اسلام برای انسان

تفاوتها ی عصری این روزگار با روزگار حضرت زهرا سلام الله عليها آیا مانع از الگو پذیری از ایشان نیست؟

جواب: چون شبهه ای که اشاره کردید یک شبهه عام و فراگیری است و خود ما هم بارها این شبهه را شنیدیم این که چه طور می شود که یک انسان متعلق به هزار و سال قبل میتواند الگو باشد. آیا بهتر نیست ما الگوهایمان را از معاصران بگیریم؟

ما بایک مکتبی مواجهیم که سه نوع گزاره دارد

من شیعه در اسلام وقتی وارد می شوم با سه نوع گزاره مواجه می شوم:

یک گزاره هایی که با من شیعه مرتبط است؛ مثل روایتی از امام صادق علیه السلام که من به آن مراجعه میکنم و مثلاً از امام صادق یاد می گیرم که کجا من نمازم شکسته است کجا تمام است و ...

یک سری گزاره ها داریم که مربوط به شیعه نیست؛ مربوط به مسلمان است کافی است که شخص دین اسلام را پذیرفته باشد و از آن گزاره ها استفاده کند مثلاً به قرآن مراجعه می کند و در قرآن آمده که: **لله على الناس حج البيت لمن استطاع اليه سبيلا**؛ کسانی که استطاعت دارند باید به حج بروند.

اما گزینه ها و گزاره های بی شماری داریم که مخصوص مسلمانان هم نیست بلکه هر انسانی میتواند از این گزاره ها استفاده کند خیلی از آیات قرآن، روایاتی که داریم از این قبیل است

يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود؛

يا اوفوا بالعهد ان العهد كان مسئولا

لا يجرمنكم شنآن قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى

بغض و کینه شما را به ستم نکشاند

لا تعاونوا على الاثم والعدوان و تعاونوا على البر و التقوى

این جا این نیست که من چون مسلمان هستم باید به عهدم وفا کنم یا چون مسلمان هستم دشمنی نباید من را به ستم بکشاند این نیست بلکه چون من انسانم باید مراعات این موارد را بکنم.

این جا لازم نیست شما مسلمان باشید حتی لازم نیست اهل ادیان توحیدی هم باشید اگر کسی بودیسم و هندویسم هم باشد به این موارد احترام می گذارد حتی اگر ماتریالیسم هم باشد به این گزاره ها احترام می گذارد.

ما وقتی که میخواهیم از ائمه از فاطمه زهرا از پیامبر سراغ بگیریم به عنوان الگوی انسان معاصر سراغ این گزاره ها و گزینه ها می رویم درست است که اسلام در این گزاره ها امضا کننده بوده است اما منزلت و مرتبت را بالا برده است.

به هر حال اسلام می آید و برای رعایت این ها، ضمانت اجرا می گذارد، و می گوید اگر وفا به عهد نکردی و عقدت را عمل نکردی در دنیا جرم انگاری و در آخرت هم عاقبت و عقوبت انگاری می شود .
یا فلان ثواب را برای این کار می گذارند.

اسلام را ما نمی توانیم صرفا امضا کننده این گزاره ها در نظر بگیریم بلکه تغییراتی داده و ردیف بودجه ای قرار داده و جابجا کرده و بالا برده و در سایه این تاکید در سایه سار توجه خاص اسلام ، انسانهایی به وجود می آیند که هم جامع اند، هم جهانی اند و هم جاودان .

شما نامه امام علی علیه السلام را به مالک اشتر چگونه ارزیابی می کنید؟

نامه ای است که بیش از هزار و سیصد سال از آن میگذرد از امام علی در کوفه نوشته شده برای مالک استاندار مصر

نامه مالک اشتر را هر زمانی که نگاه می کنید مطالب آن تازه است و به درد همه د ر همه زمانها می خورد.

جایی که امام می فرماید:

ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ،

تاکید بر شایسته سالاری

سوال این است که آیا شایسته سالاری مشمول مرور زمان می شود؟

آیا متعلق به جامعه عرب است یا متعلق به همه زمان ها است و مکانها است

و یا در جایی می گوید با آنها مهربان باش مردم مصر دو گروه اند :

فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ،

اگر کسی گفت ما باید این نامه را الگو قرار دهیم؛ واقعا چه سندی و چه منشوری گویا تر از این؟

فاطمه زهرا شاگرد مکتب اسلام است امام علی دانش آموز مکتب اسلام است در دامان پیامبر این ها بزرگ شدند این ها با این که از اسلام اند اما برای انسان اند؛ زیست و کلامشان و شخصیت اشان همه برای انسان است و همه می توانند الگو گیری کنند. زیست حضرت را ببینید؛ جایی که یک دختر دلسوز برای پدر است و زمانی که یک همسر مهربان برای امام علی است و زمانی که یک تربیت کننده فرزندان هست و یا الگو

دهنده به همه زنان همه این ها آیا متعلق به زمان خاصی است؟ یا می تواند این الگو دهی به همه زمان ها
تعلق بگیرد؟

من به هر حال یک روحانی و یک شیعه هستم وقتی به خودم رجوع می کنم بازهم می بینم اینها الگوهای
موفقی هستند صرفا شخصیت فاطمه زهرا را نبینید نهج البلاغه کتابی است از اسلام برای انسان .

یا صحیفه سجادیه الگویی است از اسلام برای انسان

قرآن که اصل و اساس است هم همین طور است

امام صادق یا امام باقر و سیره ائمه همه اینها الگوهایی هستند که همه اینها با این که از اسلام هستند اما
برای انسان اند.

در دیداری که با جرج جرداق داشتم ایشان گفت که من دارم شخصیت های اسلامی را احوال و حالاتشان
را می نویسم به من گفت اول علی را آوردم و بعد از پیامبر صحبت کردم من به او گفتم آیا میدانی امام علی
شاگرد پیامبر بود؟ که او به من گفت این ایده شما هست.

البته ظاهرا بعدا تغییراتی در عقیده او پیدا شد به هر حال این ها از اسلام اند اما برای انسان اند. ...

حیف است که ما این الگوها را داشته باشیم اما از بیگانگان تمنا کنیم.

اگر شناسیم یا قدرشناس باشیم ، خودمان ضرر میکنیم .

مجری : یکی از منابع فقه ما سیره است؛ و از سیره های مهم سیره فاطمی است آیا در استنباطات فقهی ما
سیره حضرت مد نظر قرار گرفته است؟ چه ابعادی از آن سیره د راستنباطات فقهی باید مد نظر قرار گیرد؟

ج: بحثی که در سیره حضرت مهم جلوه میکند بحث حجاب است چه برای خانمها و البته آقایان هم تا
حدودی در این دایره قرار می گیرند. و الا حجاب آن مقدار که فقهای ما در رساله های خود می نویسند یک
حکم شرعی فقهی است .

حضرت زهرا و غیر حضرت زهرا هم ندارد و ما اگر به این مقوله در رابطه با حضرت توجه می کنیم در واقع
موضع گیری اسلام و فقه را در این موضوع دنبال می کنیم .

فقیه به عنوان سند باید از سیره حضرت استفاده کند و حتی فتوا بدهد و اگر گفتند این فتوا را بر چه پایه و
اساس میدهی بگوید بر اساس فتوای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

جواب مثبت است ؛ مثل این که بگوییم آیا سیره امام صادق علیه السلام حجت است ؟ بله ؛ سیره حضرت
زهرا هم حجت است . مثل کلام رسول خدا مثل سایر ائمه

آیا جاهایی استفاده شده یا امکان استفاده هست؟ بلی.

ادعا شد حضرت حرفش سند است و مثل قرآن است .

وحي نیست و کسی نگوید به حضرت هم وحي می شده البته حضرت محدثه هست .

من به عنوان یک شیعه نمی گویم حرف حضرت حجت است اگر ما یک مسلمان باشیم، ما این جا به عنوان یک مسلمان حضرت زهرا معصوم است و ازمقام عصمت برخوردار است و مصداق آیه 33 از سوره 33 است و کسی که از مقام عصمت برخوردار باشد و کاری را انجام دهد که ما بگوییم مربوط به زندگی شخصی او نیست طبیعتاً حرفش حجت است و آموزنده است.

فرض کنید حضرت مقید بودند که خود را از نامحرم بیوشانند و فرض کنید که ما این را جای دیگری هم نخوانده باشیم، و خبر هم نداریم این حجت دارد در مقابل نامحرم خود را می پوشاند و به عنوان یک امر حسن و یک وظیفه انجام میدهد و طبیعتاً برای دیگران حجت می شود اگر روزی پنج بار نماز می خواند و ما تازه می خواهیم از حضرت یاد بگیریم و اگر می بینیم، افرادی اطراف حضرت را می گیرند و ایشان به عنوان یک وظیفه جواب این ها را میدهد این می شود یک حجت برای ما از سیره حضرت .

کتابی که دست من هست تفسیر قرآن عظیم؛ از ابن کثیر دمشقی تفسیر قرآن است اولاً ابن کثیر بزرگترین عالم اهل سنت است حتی از بخاری و حتی از مسلم نیشابوری. تعابیری که از او شده تعابیر عجیبی است یک عالم فرعی یک طلبه پایین نیست اموی هم هست ؛ عالم دمشق هم هست شاگرد ابن تیمیه است ابن تیمیه از سران وهابیت است چنین عالمی در این کتاب وقتی می رسد به ایه تطهیر می گوید که: فی البیت رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسين دقیقاً همان بیان شیعیان و بعد می گوید ام سلمه خواست بیاید داخل شود اما پیامبر به او گفتند انت علی خیر تو همسر منی ولی این جایگاه متعلق به شما نیست و عایشه آمد که وارد شود که حضرت فرمودند انت علی خیر اما فاصله بگیرد و این جایگاه متعلق به تو نیست و مربوط به فاطمه است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از درب خانه فاطمه زهرا می خواهد رد شود می فرماید:

(الصلاة الصلاة انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت) از سوره احزاب آیه 33 است و به این معناست که "خداوند فقط میخواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک سازد". این آیه به طور خاص به خانواده پیامبر اکرم (ص) و در واقع، تمام اهل بیت (ع) اشاره دارد و بر پاکیزگی و طهارت این افراد تأکید می کند.

باز از احمد حنبل نقل میکند که حضرت شش ماه وقتی از درب خانه فاطمه حرکت می کرد همین جمله را بیان می فرمود. من از ابن کثیر با این سابقه نقل کردم .

آیه تطهیر می گوید:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

اراده خداوند غیر از اراده من بشر عاجز است.

رجس الف و لام دار است یعنی جنس رجس را از شما برده است . و شما را پاکیزه کرده است ؛ دروغ رجس است اشتباه رجس است خطا رجس است . حتی برخی ها جهل را هم رجس میدانند ؛ همه این ها را قرآن می خواهد بگوید ما از شما اهل بیت بردیم. لذا ام سلمه با همه فضائلش نمی تواند د راین دایره وارد شود. چرا؟ چون این مقام ، مقام عصمت و حجت است.

ائمه علیهم السلام مرجعیت معرفتی و سندی فاطمه زهرا را بر خود هم تثبیت می کنند از باب اغراق نیست و بنا نیست ضوابط نادیده انگاشته شود.

اما گاهی دیده شده که در تراث دینی ما بیان شده که :نحن حجج الله علی خلقه، و امّا فاطمة حجة الله علینا.

باز از پیامبر هم نقل شده که : یا علی "انفذ لما امرتک به فاطمه" به معنای "ای علی! هر آنچه فاطمه به تو دستور داده، انجام بده" است .این عبارت به عنوان یک تأکید بر اهمیت اطاعت از حضرت فاطمه (س) در بین شیعیان استفاده می شود.

بزرگان فقه ما و اساتید ما روی این مساله فکر کنند ؛ یا علی اجرا و انفاذ کن آن چه را که فاطمه به تو امر می کند.

البته آن زمان که پیامبر بودند، هنوز امام علی علیه السلام ، امام نبودند .

بحث این است که مرجعیت فاطمه برای شیعیان و برای مسلمانان برای انسان و برای ائمه این مرجعیت ، هست و چون از مقام عصمت برخوردار است و چون جایی که حضرت فرمان بدهد، طبعاً قابل استناد است.

در سیره حضرت آیا داریم مواردی که بتوان به عنوان پشتوانه فقه ما از آن بهره ببریم؟

در واقع ما پس از ساختن آن پایه (حجیت) باید بگردیم چه تعینات ، چه کیس هایی وجود دارد که ما بتوانیم از آن کیس ها و تعینات استفاده کنیم.

کتابهایی که در این باره برخی ها نوشتند را بنده نام می برم

فاطمه سلام الله علیها در آینه فقه

از جناب آقای مبلّغی

من فقه الزهرا علیها السلام

از مرحوم آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

مقالاتی داریم مثل مراتب مرجعیتی معرفتی فاطمه سلام الله علیها

لذا من جواب سوال شما را معرفی این کتابها قرار دادم به این معنا که در این باره ادبیات هست و دست ما خالی نیست.

ما خطبه ای داریم به نام خطبه فدکیه ؛ این خطبه در متون شیعه و غیر شیعه آمده است

مقاله ای را بنده در این باره دارم در جلد سوم دانشنامه فاطمی راجع به همین خطبه

من سند این خطبه را آوردم

در کتابهای بزرگ هم شیعیان هم غیر شیعه این خطبه آمده لذا این خطبه پشتوانه فقهی میتواند باشد چون سندیت دارد. پس این موردی که ما میخواهیم دست بگذاریم از لحاظ سند کامل است.

این خطبه را حضرت بعد رحلت پیامبر مطرح می کنند. درجریانی که حضرت به مسجد رفتند که برای احقاق حق خود، صحبت کنند .

حضرت قاعده ید را مطرح می کنند؛ که وقتی حاکمیت می گوید برای گفته خود سند بیاور.... حضرت می فرمایند ذوالید باید سند بیاورد یا کسی که فقط مدعی است و مالک حقیقی نیست؟!

که از این جا فقها، قاعده ید را استنباط می کنند و در واقع فقها از این احتجاج حضرت زهرا به یکی از امارات قانونی قضا می رسند که همان قاعده ید است ؛ امارات برای قاضی خیلی مهم است وقتی می شمارند: بینة، اقرار ، قسامه، یکی هم قاعده ید است ؛ گرچه قاعده ید منحصر استدلالش در دایره حضرت زهرا نیست ولی این قاعده هم به کار رفته است لذا در این کلام کوتاه یک اماره قانونی به کار رفته است اماره قانونی برای قضاوت .

آن چه می خواهم عرض کنم این است که حضرت برای بیست و سه نهاد، نهاد ایمان ، نماز ، روزه ، حج ، امامت ، امر به معروف و نهی از منکر تا بیست و سه مورد که در نقل ها هست، حضرت فلسفه احکام را بیان می کنند.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِیَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصَّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ...

و حضرت به نماز و زکات و روزه و حج و عدل و ... اشاره می کنند .

این جا کسانی که این برنامه را گوش می کنند ممکن است بگویند اینها فلسفه احکام است.

و فلسفه احکام برای استنباط به کار نمی آید.

و فلسفه احکام نمی تواند سند باشد

اگر خداوند فرمود: ان الصلاة تنهى عن الفحشا والمنكر ؛ ما مأمور به نمازیم و نمی توانیم بگوییم فلسفه نماز چیست؟ اگر نهی می کند، بخوانیم، اگر نهی نمی کند ، نخوانیم.

فلسفه احکام غیر از علت احکام است بین فلسفه و علت فرق است. و این جا حضرت به فلسفه احکام اشاره می کنند.

اما نکته ای که شاید اولین باری است که به آن اشاره می شود این است ؛ فلسفه احکام اگر به عنوان فقه فردی، و د ر فقه شخصی و د ر توضیح المسائل که متعرض مسائل فردی است اگر نقش سندی دارد آیا حاکمیت می تواند نسبت به فلسفه احکام بی اعتنا باشد؟

وقتی گفته می شود ایمان باید مایه تطهیر مردمان از شرک شود، این جا در واقع یک رسالتی بر دوش حاکم می گذارد. حاکم متعهد ایمان مردم هست یا نه؟

وظیفه حاکمیت این است که این ایمان را برساند به مرحله تطهیرا من الشرک

و الا اگر شرک و پلشتی و آلودگی کل جامعه را گرفته باشد جامعه پاکیزه نیست و این مسئولیتش بر عهده حاکمان است اگر حضرت می فرمایند امر به معروف و نهی ا ز منکر را آورد برای اصلاح جامعه، این جا ، حاکمیت باید برنامه ریزی کند. نمی تواند امر به معروف و نهی از منکر را کنار بگذارد. بحث این است که اگر ضد مصلحت باشد مشکل پیدا می شود. این جا است که باز باید حاکمیت بداند چه وظیفه ای را به کار ببندد. تعبیر حضرت این است : وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ

والنهی عن المنکر تنزیها للدين

مصلحت امت؛ اثباتی

تنزیها للدين: سلبی

امر به معروف باید به این شکل باشد آیا حاکمیت می تواند نسبت به این بند، بی طرف باشد؟

اگر ما بخواهیم با این نگاه اجتماعی و حکومتی به فقه نگاه کنیم، به یک رساله عملی برای زمامداران نیاز داریم همان کاری که ما برای مقلدین انجام می دهیم .

گاه ممکن است حجاب باشد اما عفت نباشد ؛ وقتی بحث حجاب با عفاف تواما مطرح میشود که این جا ، پای حاکمیت به میان کشیده می شود.

امر به معروف من فردی برای یک فرد دیگری متفاوت باشد ا زامر به معروف حاکمیت برای شهروندان.

آن جا است که دیگر شرایط متفاوت می شود.

یا حضرت بحث حج را مطرح میکند:

الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ.

حج برای تحکیم دین است.

الان حجی که انجام می شود آیا تشییدا للدين است یا فاصله دارد؟

جالب این است که وقتی ما این را کنار آیه قرآن قرار میدهیم که میفرماید ما حج را قیاما للناس قرار دادیم. یعنی یک جا بحث مردم و یک بحث دین مطرح است

دربرخی منابع آمده : وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ

و در برخی دیگر: والحق تسکینا للقلوب و تمکینا للدين

خداوند حق و عدل را قرا رداد برای آرامش دلها ؛ برای این که دین خدا پیاده شود.

البته حق و عدل هم باید حس شود.

بین بودن عدل و احساس عدل، تلازم نیست؛ چنانکه بین نبودن عدل و عدم احساس هم تلازم نیست.

امری که حاکمان ما باید توجه داشته باشند این است که مردم احساس عدالت کنند، یعنی وقتی پرونده می رود برای دادگاه شخص خیالش راحت باشد و بگوید خدا را شکر که قاضی عادل داریم و او خود قضاوت می کند.

حضرت می خواهند بگویند اگر عدل نباشد ،دین پا نمی گیرد و رشد نمی کند. دین با عدل است که محکم میشود و الا همه چیز روی هواست.